

امنیت ملی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)

● دکتر اصغر افتخاری*

چکیده

نویسنده در این مقاله با تأکید بر اینکه اندیشه سیاسی امام (ره) به علت «به روز بودن» و بهره‌مندی از مبانی استدلالی و عقلی لازم، به گونه‌ای است که از توان بالایی برای پاسخ‌گویی به مسایل روز و نوین دارد؛ اقدام به طرح سؤال نموده است. امام (ره) در مقام یک رهبر سیاسی چگونه امنیت ملی را تعریف و در عرصه خارجی عملیاتی نموده‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال نویسنده با تفکیک بین دو بعد نظری و عملی امنیت ملی و طراحی چارچوب تئوریک مناسب برای این معنا که مبتنی بر مطالعات نوین امنیتی است؛ از وجود دو تصویر امنیتی نزد امام (ره) سخن به میان آورده است. در بعد نظری دیدگاه‌ها و اصول مورد قبول امام (ره) حکایت از آن دارد که ایشان قائل به الگوی «واگرایی متعهدانه» بوده‌اند که در آن بین دو اصل تکشرگرایی سیاسی - اجتماعی و التزام به اصول بنیادین نظام جمع می‌شود. این الگو بدیل مناسبی برای دو الگوی یکسان‌سازی و هرج و مرج‌گرایی است که از حیث نظری امام (ره) نسبت به نقد آنها اقدام نموده‌اند. اما در عرصه عملی، امام (ره) به علت شرایط ویژه جامعه ایران در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی - که دلالت بر بروز کانون‌های ناامنی در داخل و خارج ایران دارد - استراتژی چند مرحله‌ای

*. عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام

را برای ایجاد ثبات و امنیت پیشه نموده‌اند که رکن نخست آن را قبض محوری در مراجعه‌ی با هرج و مرج‌گرایی- سال‌های آغازین جمهوری اسلامی شکل می‌دهد. خلاصه کلام آنکه امام (ره) توانستند با کاربرد مناسب گفتمان قبض محور، زمینه مناسب برای ورود کشور را به دوره‌ی «واگرایی متعهدانه» فراهم سازند و از این حیث می‌توان ادعا کرد که «قبض محوری» تاکتیک امنیتی امام (ره) و نه استراتژی ایشان بوده است.

مقدمه

«امام خمینی (ره) به عنوان یک انقلابی، دولتمرد و ایدئولوگ همزمان [در جامعه ما ظاهر شده است] و این موقعیت سرحدی‌ای است که کمتر فقیهی در تاریخ تحولات شیعه امکان دست یابی به آن را داشته است.»^۱

اندیشه سیاسی شیعه اگر چه در گذار از فراز و فرودهای تاریخی - و بویژه تجربه ارزنده دوران حضور که دو الگوی حکومتی نبوی و علومی را شامل می‌شود - توانست به مبانی و مبادی استدلالی محکمی برای الگوی حکومت دینی خود بر محوریت «ولایت معصوم» دست یابد، اما شروع عصر غیبت چالش بزرگی را پدید آورد که توجه بزرگان شیعه را برای چندین قرن متوجه خود ساخت. در این راستاست که تلاش اندیشه گران و فقهای شیعه برای طراحی الگویی مستقل، به روز و کارآمد از حکومت دینی صورت پذیرفته و در نهایت در جریان انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر می‌نشیند. این نگرش دینی که مبتنی بر مجاهدت‌های دو مکتب سامرا و نجف است،^۲ موفق می‌شود تا با طراحی «جمهوری اسلامی» الگویی را عرضه بدارد که ضمن بهره‌مندی از استانداردهای جهانی برای حکومت در عصر حاضر. مبتنی بر اصول و مبادی دینی برای اداره جامعه نیز باشد. براین اساس «جمهوری اسلامی» را می‌توان در قالب گفتمان‌های معاصر تجزیه و تحلیل و فهم کرد و چنان نیست که به علت ابتدائی آن بر آموزه‌های دینی، از گفتمان معاصر فاصله گرفته و به تعبیری دچار گسست گفتمانی با جهان معاصر باشد. به همین خاطر است که نقد اندیشه گران قابل به اینکه «حکومت دینی» پدیده‌ای در حد و اندازه جوامع سنتی بوده که با گفتمان مدرن امروزی سنخیتی

ندارد، در خصوص جمهوری اسلامی - برخلاف بسیاری از الگوهای جاری در کشورهای اسلامی که ماهیت سنتی داشته و با آموزه‌های الگوهای سلطنتی، پادشاهی، استبدادی و یا جمهوریهای تک حزبی و مادام‌العمری اداره می‌شوند^۲ - صادق نیست.^۴

ماهیت انقلاب اسلامی، اصول مدرن الگوی جمهوری اسلامی و شخصیت جامع الاطراف حضرت امام خمینی (ره) که تماماً حکایت از حضور خدا، مردم، رهبری در بطن سیاست و حکومت دینی دارند؛ این امکان را به ما می‌دهد تا نسبت به طرح پرسش‌های نوین امروزی و دریافت پاسخ از اندیشه امام خمینی (ره) اقدام نماییم. در همین ارتباط نوشتار حاضر با طرح سؤال در خصوص «الگوی تأمین امنیت ملی» سعی دارد به پاسخی «دینی» و «به روز» مبتنی به گفتمان امام خمینی (ره) دست یابد. بدیهی است که بررسی اندیشه و عمل آن رهبر فقیه می‌تواند در مقام تحلیل و سیاستگذاری برای عصر حاضر یاری گرما باشد و به عبارت دیگر، ثمرات علمی و عملی‌ای برای تحلیل نظری استوار است که جامعه و حکومت ما می‌تواند از آن بهره‌مند گردد. برای این منظور به بررسی گفتمان اخیر امام خمینی (ره) در دو بعد داخلی و خارجی با عنایت به شرایط خاص کشور در آن دوره می‌پردازیم.

الف. چارچوب نظری

«این واقعیت که امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و تاریخی به درازای سکوت بشر بر روی کره خاکی دارد، حکایت از پیشینه طولانی مطالعات امنیتی می‌تواند داشته باشد؛ و اینکه تفکر در این باره و ارائه نظریه و راهبرد، مراحل اولیه خود را طی کرده و هم اکنون دوران بلوغ خود را با تولید حجم قابل توجهی از متون پشت سر می‌گذارد.»^۵

با عنایت به آنچه اندیشه گرانی چون «تری تریف» (Terry Terriff)، «استوارت کرافت» (Stuart Croft)، «لوسی جیمز» (Lucy James) و «پاتریک مورگان» (Patrick Morgan) اظهار داشته‌اند،^۶ می‌توان ادعا کرد که «امنیت ملی» امروزه دیگر مفهومی «عقب مانده» ارزیابی نمی‌شود؛^۷ بلکه از کثرت دیدگاه‌های کارشناسی برخوردار است که از آن مفهومی «توسعه یافته» ارائه می‌نماید. به همین دلیل است که طراحی تئوری و

چارچوب نظری جامعی که بتواند در برگیرنده عمده ملاحظات امنیتی باشد، کاری دشوار ارزیابی می‌شود. نگارنده در حد مقاله حاضر با استفاده از متون امنیتی ناظر بر تحولات جهان سوم، الگویی سه بعدی از امنیت ملی را طراحی و پیشنهاد می‌نماید که به نظر می‌رسد از قابلیت انطباق بیشتری با تحولات جامعه ما در دوران حضور حضرت امام(ره) برخوردار است.

اول. هرج و مرج گرایی

«در پاره‌ای از کشورها] رشد سریع میزان مشارکت مردمی در نهایت به بروز بحران منجر می‌شود؛ چرا که نخبگان حاکم به وحشت می‌افتند و لذا برای حفظ خود به سرکوب و مقابله روی می‌آورند.»^۸

نقد «مایرون واینر» (Myron Weiner) مخصوص وضعیت کشورهای جهان سوم، ناظر بر بروز رفتارهای افراطی‌ای است که منجر به شخصیت اجماع ملی و بسته شدن فضای ملی از سوی قدرت حاکمه به بهانه صیانت از امنیت می‌شود. وجود همین آفت است که «ساموئل هانتینگتون» (S. Huntington) را به آنجا رهنمون می‌شود تا وجود «حاکمیت مقتدر» را به عنوان یکی از پیش زمینه‌های لازم برای توسعه مورد توجه قرار داده و اظهار دارد: نظام‌های سیاسی کار آمد اساساً نظام‌های قوی هستند از این توانایی برخوردارند تا بین آزادی و التزام به میانی رفتاری واحد جمع نمایند.^۹ مجموع تلاشهای نظری که در این حوزه به انجام رسیده، دلالت بر آن دارند که «تأمین امنیت ملی» نیازمند وجود مرجعیت واحدی است که بتواند بین رفتار بازیگران مختلف هماهنگی لازم را ایجاد نماید. در غیر اینصورت رفتارهای نابهنجار بازیگران موجب زوال انسجام ملی و مساعد شدن فضای ملی برای نفوذ عوامل بیگانه خواهد شد. «هرج و مرج گرایی» بر این اساس وضعیتی نامطلوب ارزیابی می‌گردد که در آن به علت نبود «دولتی مقتدر» رفتارهای خارج از اصول و چهارچوب بازیگران، منجر به بروز ناامنی در داخل و تضعیف توان کشور با عوامل مداخله‌گر خارجی می‌گردد.^{۱۰}

البته باید توجه داشت که یعنی «دولت مقتدر» با «دولت قوی» تفاوت وجود دارد و معنای این سخن تأیید حکومت‌های توتالیتر نیست. این معنا به بهترین وجهی توسط «جوئل میگدال» (Joel Migdal) در کتاب «جوامع قوی و دولتهای ضعیف» بیان شده

است؛ آنجا که «دولتهای قوی» را نظام‌های استبدادی و تمرکزگرایی می‌شناساند که از طریق افزایش توان سرکوب خود بدنبال تحصیل اجماع هستند؛ اما در مقابل «دولت‌های مقتدر» را نظام‌های کارآمدی می‌شناساند که با اتکاء به اجتماع عمومی و کسب رضایت بازیگران مختلف، پیوسته حمایت آنها را از قدرت سیاسی برای خود دارند.^{۱۱}

از حیث تاریخی نیز این نظریه تأیید می‌گردد. به عنوان مثال «جیمز بیل» (James Bill) و «کارل لیدن» (Carl Leiden) در بررسی کشورهای جهان سومی به آنجا می‌رسند که مشکل بسیاری از این کشورها نه در «اقتدار حکومت» یک در شیوه تحصیل «اقتدار» است. دلیل این مهم نیز آن است که وجود اقتدار اصل اولیه توسعه و پیشرفت به شمار می‌آید و نفی آن به معنای نفی الگوی توسعه نیز می‌باشد. بدین ترتیب «پاتریمونیالیسم» الگوی نامناسبی برای تولید اقتدار ارزیابی می‌گردد که به غلط توسط عمده کشورهای خاورمیانه‌ای مورد توجه قرار گرفته و لذا نتیجه‌ای معکوس داده و نه تنها اقتدار حاصله به تولید توسعه منجر نشده بلکه افزون بر آن خود به مانعی دو برابر آن تبدیل شده است.^{۱۲}

دوم. یکسان سازی

در واکنش به الگوی هرچ و مرج‌گرایی و به منظور جبران نقایص آن، برخی از اندیشه‌گرای به ضرورت تمرکز در قدرت و یکسان سازی تمامی بازیگران با هدف تحصیل امنیت تمایل یافته‌اند.^{۱۳} نتیجه این استراتژی، تاسیس دولتهای استبدادی است که از حیث تاریخی سابقه طولانی‌ای داشته و در هر دو حوزه شرق و غرب می‌توان گونه‌های مختلف آن را سراغ گرفت.^{۱۴} جوهره امنیتی این الگو را این گزاره شکل می‌دهد که: مسائل حکومتی در فضایی برتر از سطح جامعه و دخالت گروه‌ها و دستجات مختلف اجتماعی قرار دارد و به عبارتی حوزه تخصصی فرد، گروه یا طبقه خاصی است که رسالت تعیین مقدرات جامعه با ایشان است و دیگران جز تبعیت و اجتماع برحول قدرت مرکزی، وظیفه دیگری ندارند.^{۱۵} از این منظر «مشارکت جمعی» در قدرت بنا به ماهیت وحدت‌گرایی قدرت، توهمی بیش نخواهد بود:

«هیچ نمادی وجود ندارد که بتواند مشارکت همه اشخاص را در

اعمال قدرت، امکانپذیر سازد. زیرا قدرت عبارت است از فرماندهی و همه

نمی‌تواند فرمان برانند. بنابراین حاکمیت مردم توهمی بیش نیست. توهمی که نهایتاً ویرانگر آزادی‌های مردمی است»^{۱۶}

سوم. واگرایی متعهدانه

نگارنده این الگو را به مثابه الگوی برآمده از تقابل «یکسان‌سازی» با «هرج و مرج‌گرایی» می‌شناسد که در آن دو گزاره امنیتی بصورت توأمان مد نظر هستند:

گزاره اول. امنیت ملی در عصر حاضر بدون وجود و مشارکت بازیگران متنوع و متعدد در لایه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، غیر قابل تحصیل است.^{۱۷}

گزاره دوم. تحصیل امنیت ملی بدون وجود چارچوب بنیادینی که مورد اجماع کلیه بازیگران بوده و نقش تحدید کننده رفتارها و جهت دهنده سیاستها را ایفاء نماید؛ غیر ممکن است.^{۱۸}

معنای این الگو آن است که نظام‌های سیاسی باید نسبت به تعریف اصول بنیادین خود به پشتوانه مردمی اقدام ورزند و با تعریف حقوقی آنها، کلیه بازیگران خود را ملزم به رعایت آنها بدانند. تنها در این صورت است که می‌توان بین تکثر و امنیت جمع کرد و امید داشت که جامعه به مثابه پیکره‌ای زنده و پویا، بتواند ضمن پذیرش «تغییر» در صیانت از هویت و ماهیت خود، توفیق کسب نماید.^{۱۹}

ب. الگوی امنیتی امام خمینی رحمه الله علیه

در بحث از الگوی امنیتی امام (ره) لازم می‌آید تا بین دو سطح از تحلیل تفکیک قایل شویم: نظری و علمی. علت این امر نیز آن است که ملاحظات نظری به هنگام اجرایی شدن، با مقاومت محیط مواجه می‌شوند که به تعبیر «برایان فی» (B. Fay) عامل اصلی در «باز تعریف علمياتی» یک نظریه هستند.^{۲۰} براین اساس نظریه به هنگام ورود به فضای عینی با موانعی مواجه می‌شود که می‌طلبد نظریه خود را اصلاح و باز تعریف نماید. در این حالت است که نظریات اصیل بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تفکیک قایل شده؛ با هدف رسیدن به وضعیت مطلوب، در اندازه توان و شرایط موجود به طراحی و برنامه‌سازی همت می‌گمارد. این نظریات اگر چه در کوتاه مدت تغییر چهره می‌دهند - در حد فروغ - اما در بلندمدت به سوی اصول گرایش دارند و سعی می‌نمایند

تا شرایط را متناسب با اهداف کلان خویش اصلاح نمایند. براین اساس مشخص می‌گردد که تفکیک فوق‌الذکر با «فرصت‌طلبی» یا «استحاله»^{۲۱} تفاوت بنیادین دارد و ثمره این بحث در بستر زمان و در جهان خارج، خود را نشان می‌دهد. بر این اساس، دیدگاه امنیتی امام خمینی(ره) را می‌توان در دو فضای نظری و عملیاتی به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

اول. نظریه امنیتی

شاخصه‌های نظریه امنیتی امام(ره) با ویژگی‌های الگویی «واگرایی متعهدانه» که پیش از این به آن اشاره شد، مطابقت دارد؛ براین اساس می‌توان مجموع ملاحظات امنیتی امام(ره) را در ذیل دورکن اصلی این الگو به شرح زیر جمع‌بندی نمود:

رکن اول: تعریف اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت امام(ره) با استناد به تکلیف الهی و حمایت مردمی، اقدام به معرفی اصولی می‌نماید که از رهگذر انقلاب اسلامی ورای قاطع مردم به جمهوری اسلامی، تبدیل به «اصول بنیادین جمهوری اسلامی» شده و لذا تمامی بازیگران سیاسی مکلف به رعایت آنها و تحدید فعالیت‌هایشان به این اصول می‌شوند. اصول مورد نظر عبارتند از:

اصل یک. اسلامیت نظام

محور اصلی اندیشه امام(ره) را این ایده تشکیل می‌داد که قیام مردم برای «اسلام» و حاکمیت بخشیدن به «اصول اسلامی» است. بنابراین هر چه از اقتصاد، سیاست یا فرهنگ گفته می‌شود، با نگاه به اسلام است. لذا تصریح می‌نمایند:

«ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم... نهضت برای اسلام

همان دنبال نهضت انبیاء است.»^{۲۲}

بنابراین در مواضع مختلف تأکید می‌نمایند که «جوهره اسلامی» نظام باید پاس داشته شود و در صورت انحراف نظام سیاسی از این شاخصه، دیگر نمی‌توان بر بقای «جمهوری اسلامی» حکم داد:

«مقصد این است که اسلام... احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده

بشود.»^{۲۳}

به همین دلیل است که ایشان از همان ابتدا در این خصوص هیچ گونه مجامله‌ای را روانداشته و درست در زمانی که دستگاہهای تبلیغاتی سعی داشتند با متهم کردن نهضت امام خمینی(ره) به یک نهضت انحصارگرایی مذهبی، از جذابیت آن بکاهند در مقابل سوال خبرنگاران به تصریح بیان می‌دارند که: اگر چه استبداد و انحصار را به هیچ وجه تایید نمی‌نماید، اما محوریت جایگاه مذهب در حکومت آتی را امری بدیهی ارزیابی می‌نمایند:

«هیچ قدرتی به اندازه مذهب نخواهد بود و نظامی‌ها و سیاسی‌ها اکثراً

تحت نفوذ مذهب هستند.»^{۲۴}

و یا در جای دیگر اظهار داشته‌اند.

«اساس اسلام است و... بقیه‌اش دیگر فرع هستند.»^{۲۵}

این اندیشه متعاقباً بصورت حقوقی درآمده و در قانون اساسی در ذیل اصول مربوط به ولایت فقیه و ضرورت وجود شورای نگهبان بصورت صریح و شفاف تعریف می‌شوند.

اصل دو. جمهوریت نظام

جمهوریت در اندیشه امام (ره) ارزشی هم سنگ اسلامیت برخوردار است، لذا مشاهده می‌شود که ضمن «صریح الگوهای بسته سلطنتی براساس اصول اسلامی، تاکید می‌نمایند که الگوی پیشنهادی نهضت اسلامی «جمهوری اسلامی» - نه یک کلام زیاد و نه یک کلام کم - است.^{۲۶} در واقع تجربه ترکیب دو اصل اسلامیت و جمهوریت، از جمله ابتکارهای ارزنده نهضت خمینی به شمار می‌آید که در نهایت توانست الگویی مدرن از اسلام برای اداره جوامع در قرن بیستم و بیست و یکم، ارائه دهد. شهید مطهری در مقام تبیین این معنا، چنین می‌گوید:

«جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است: کلمه جمهوری و کلمه اسلامی، کلمه جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای آن را... یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی

این تلقی بصورت یک اصل حقوقی در قانون اساسی وارد شده و در اصل ۱۵۶ می‌خوانیم:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. و ملت ایران این حق خود را از طرفی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند.»

خلاصه کلام آنکه، امام (ره) قایل به حضور اراده مردم در اصل تفویض قدرت بودند و لذا قدرت سیاسی را بدون حضور مردمی از مشروعیت لازم برخوردار نمی‌دیده و تصریح داشتند که:

«اراده مردم باید در اصل تفویض قدرت دخیل باشد و الا قدرت مشروعیت لازم را ندارد.»^{۲۸}

در خصوص نهضت انقلابی مردم ایران و تاسیس جمهوری اسلامی نیز همین مبنا را مورد استناد قرار داده، خطاب به منتقدینی که عملکرد امام (ره) را در انحلال نظام اقدامی غیر قانونی ارزیابی می‌کردند، اظهار داشتند:

«فشار افکار عمومی به معنی قانون است. ما به استناد همین قانون قدرت را به دست می‌گیریم و حکومت مستقر می‌کنیم.»^{۲۹}

اصل سه. استقلال

امام خمینی (ره) چه در مقام یک رهبر انقلابی و چه در مقام مسؤل عالی مرتبه یک نظام سیاسی، تاکید داشتند که وفاداری نسبت به «وطن» امری فطری، عقلی و باتایید شرعی است که هیچ کس نمی‌تواند نسبت به آن بی توجه باشد. لذا صیانت از استقلال کشور را یک رسالت فراگیر ارزیابی کرده و بر این باور بودند که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند - و حق ندارد - اقدامی بنماید که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم استقلال کشور را به خطر بیاندازد. عدم تسامح امام (ره) در این زمینه مثال زدنی است، آنجا که خطاب به مردم اظهار داشتند:

«اگر بخواهید بر همه مشکلات پیروز شوید باید همه محکم بایستید

در مقابل قدرتها و استقلال خودتان را... محکم نگه دارید»^{۲۰}

از دیدگاه امام(ره)، اسلام آمده است تا ملت‌ها را از یوق استعمارگران رهایی بخشد و به آنها استقلالی را که حق ایشان است، ببخشد. این نگرش است که در اصل نهم قانون اساسی به عنوان یکی دیگر از حدود فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است:

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران، کمترین خدشه‌ای وارد کند»^{۲۱}

همین معنا در اصل ۲۶ نیز مورد تاکید قرار گرفته و احزاب سیاسی به ضرورت توجه به این اصل تذکر داده شده‌اند. با عنایت به اهمیت این موضوع است که در سوگند نامه ریاست جمهوری، اصول مربوط به سیاست خارجی و حتی در قوانین موردی مربوط به احزاب و گروه‌های مختلف، تصریح بر این التزام امری ضروری دانسته شده است. تمام این موارد حکایت از آن دارد که اصل استقلال محوری حیاتی و غیرقابل تعرض نزد امام (ره) بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی جامع علوم انسانی

اصل چهارم. التزام به قانون اساسی

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد... پیروی از اصول چنین قانونی... برعهده همگان است»^{۲۲}

فراز فوق که برگرفته از مقدمه قانون اساسی است، منعکس کننده یکی از اندیشه‌های چشمگیر امام(ره) است که براساس آن نظام جمهوری اسلامی نسبت به تعریف یک منشور ملی که وظایف کلیه بازیگران را مشخص و معلوم می‌سازد، اقدام می‌نماید.

از این منظر انقلاب اسلامی به رهبری امام (ره) پس از پیروزی در مسیری متفاوت با بسیاری از حرکت‌های اعتراض آمیز در گستره جهانی، حرکت کرده و مشاهده می‌شود که نسبت به تعیین اصول و حدود خود، اقدام می‌کند. قانونی شدن رفتارها که از دیدگاه بسیاری از حرکت‌های انقلابی امر مطلوبی ارزیابی نمی‌شود، نزد امام (ره) نسبت به ضرورت تشکیل مجلس خبرگان اول تشکیک کرده، امام (ره) بشدت مخالفت نموده و خود شخصاً وارد میدان می‌شوند تا پیش نویس قانون اساسی تهیه و برای تصویب به رای مردم گذارده شود. نکته قابل توجه که امام (ره) خود در مقابل کارشکنی برخی از افراد و گروه‌ها موضع گرفته و تاکید می‌کنند که مجلس خبرگان قانونی است و هر که در مقابل آن بایستد، عملی غیر قانونی انجام داده است.

«مجلس خبرگان با رأی اکثریت ملت مشغول به کار است، حال بدانیم که یک دسته چند نفری دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند مجلس خبرگان باید منحل شود. من نمی‌دانم که این آقایان چه کاره هستند و چرا مجلس خبرگان باید منحل شود؟... مجلس منحل نمی‌شود و کسی حق انحلال ندارد و خود ملت حق دارند.»^{۲۳}

پس از تأسیس این قانون است که امام (ره) به ضرورت التزام عملی کلیه گروه‌ها و افراد به اصول آن تاکید ورزیده و اظهار می‌دارند که گذشته از مباحث قبلی، حال که این قانون تصویب شده است، برهمگان است تا آن را به مثابه یک منشور ملی پاس دادند و از آن تخطی نکنند. ایشان در پاسخ به نامه تنی چند از نمایندگان مجلس که انجام برخی از اعمال مافوق قانونی را از سوی امام (ره) مورد پرسش قرار داده بودند، با نگاه به همین معناست که اظهار می‌دارند:

«با سلام. مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی در آید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضاء می‌کرد تا گره‌های کور قانون سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردند. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می‌کنم.»^{۲۴}

براین اساس مشخص می‌شود که از جمله حدود مهم عمل سیاسی در نظام اسلامی

ایران، پذیرش جایگاه محدود «قانون اساسی» است که می‌تواند مبنای عمل مشترک کلیه بازیگران و حل و فصل اختلافات باشد.

اصل پنج. انسجام ملی

وحدت را می‌توان موضوع محوری اندیشه امام(ره) ارزیابی کرد که از درصد فراوانی بسیار بالایی در اندیشه امام(ره) برخوردار است. از این منظر انواع وحدت، لایه‌های وحدت، مکانیزم‌های تحصیل وحدت، اصول عمل صیانت از وحدت و ثمرات امنیتی امنیت محورهای مستقل اندیشه امام(ره) در ارتباط؛ وحدت شکل می‌دهد که در مجموع حکایت از آن دارد که «وحدت» از جمله قطب‌های اندیشه امام(ره) به شمار می‌آید که بسیاری از خرد موضوعات در ذیل آن فهم می‌شوند.^{۲۵}

«دستور همان است که آیه شریفه واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا [می‌فرماید]... این که مهم است. این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید. امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه، راه حق باشد.»^{۲۶}

و این امر را امام(ره) به مقتضای عقل سیاسی - افزون بر مبنای دینی - مورد تاکید قرار داده و تصریح داشتند که رمز استمرار این نظام همان رمز پیروزی‌اش است. بر این اساس هر گونه تعرضی به اصل وحدت، اقدامی غیر قانونی و غیر مشروع تلقی شده و امام(ره) در عمل و نظر آن را اقدامی مغایر با ثبات و آرامش جامعه ارزیابی می‌کردند.^{۲۷}

رکن دوم. پذیرش تکثرگرایی سیاسی

امام(ره) همزمان با توجه به اصول بنیادین نظام که ماهیتی تحدید گردارند، به اصول عملیاتی اشاره دارند که راه را به «تکثرگرایی سیاسی - اجتماعی» در جامعه هموار ساخته و بدین ترتیب مانع از شکل‌گیری الگوی استبدادی در کشور می‌شد. علت این امر نیز آن بود که مطابق روایت امام(ره) از اسلام، الگوهای سلطنتی را استبدادی ماهیتاً با سیاست اسلامی همخوانی ندارند و لذا هر آن اقدامی که به پیدایش چنین نظام‌هایی منجر شود، مردود بوده و باید به نفی گردد.

اصل یک. منع یکسان سازی جامعه براساس قدرت از دیدگاه دین

«ما بنای براین نداریم که یک تحمیلی بر ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ماتابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طوری رای داد، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تعادلی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان چیزی را تحمیل کنیم.»^{۳۸}

با عنایت به فراز بالا مشاهده می‌شود که «دیکتاتوری» از حیث ماهیت مغایرت با قرآن و سنت نبوی دارد و لذا امام (ره) الگوی جوامع قالبی را که با استفاده از زور پدید آمده نفی نموده و تصریح می‌نمایند که حکومت مردم ملاک عمل خواهد بود:

«در اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگانها را ملت تعیین کرده است.»^{۳۹}

اصل دو. ضرورت عقلی وجود تکثر در اداره جامعه

«ساختن یک مملکت با دست یک گروه امکان ندارد. محول کردن مطالب را به دولت یا به روحانیت [تنها] صحیح نیست، برای اینکه اینها [به تنهایی] قدرت این کار را ندارند. تمام گروهها و تمام افراد، هر فردی وظیفه دارد که در این نهضت خدمت بکند.»^{۴۰}

به تعبیر امام (ره) اداره جامعه امری پیچیده و رسالتی بسیار سنگین است که هیچ نظامی نمی‌تواند با اتکاء به گروه و یا دسته‌ای خاص از عهده آن برآید. لذا بهترین شیوه آن است که در عین وجود تکثر سیاسی - اجتماعی، تمامی افراد و گروهها نسبت به این مهم اقدام نمایند؛ که در آنصورت می‌توان به تحصیل منافع و حاکمیت آرامش برجامعه امیدوار بود.

اصل سه. تکثر پدیده‌ای طبیعی است

با مراجعه به دیدگاه امام (ره) درخصوص جامعه و فرد مشاهده می‌شود که ایشان در مقام آینده‌شناسی با اشاره به ملاحظات محیط داخلی و خارجی، براین باور بوده‌اند که یکسان‌سازی افراد و یکدست کردن نحوه اندیشه و عمل گروهها و سازمانها، امری غیر

طبیعی - و لذا غیر ممکن است. ایشان در همین ارتباط اظهار داشته‌اند:

«جامعه فردا جامعه‌ای ارزیاب و منتقد خواهد بود که در آن تمامی

مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست»^{۴۱}

به همین خاطر است که نسبت به آراء و اندیشه‌های مختلف در درون جامع و حتی حکومت تا آنجا که در چارچوب اصول بنیادین قرار دارند، احترام گذارده و این نوع اختلافات را مایه رحمت برای جامعه اسلامی می‌دانند. مصداق بارز این امر را می‌توان موافقت ایشان با تشکیل مجمع روحانیون مبارز تهران مشاهده کرد که این نوع از تکثر را مایه پیشرفت و ترقی جامعه قلمداد کردند.

ب. عمل امنیتی

اندیشه امنیتی امام(ره) که مبتنی بر «واگرایی متعهدانه» بود، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی بخاطر ملاحظات محیطی (داخلی و خارجی) امکان و فرصت عملیاتی شدن نمی‌یابد. به همین دلیل است که امام(ره) نخست برای صیانت از اصل انقلاب اسلامی گفتمان «قبض محور» را در دستور کار قرار می‌دهند و با فراهم آمدن زمینه لازم، به اصلاح استراتژی حکومت و گرایش آن به سوی الگوی «واگرایی متعهدانه» اقدام می‌نمایند. در این قسمت به بررسی اجمالی تاریخ تحول جمهوری اسلامی می‌پردازیم.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اول. رفتارهای امنیت سوز جامع علوم انسانی

در پی پیروزی انقلاب اسلامی، به علت حضور برخی از گروه‌های فرصت طلب از یک سو، و کم تجربگی برخی از مسئولان کشور از سوی دیگر، روندی درون جامعه شکل می‌گیرد که بیشتر با شاخص‌های هرج و مرج گرایانه انطباق دارد و از این حیث نوید دهنده، ناامنی و آشوب برای جامعه بود. این رفتارها را در دو دوره تاریخی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۱. چالش‌های بنیادین

حوادث این دوره کوتاه از آن روی موید هرج و مرج گرایی بود که جریان انقلابی هنوز

اصول بنیادین رفتارهای سیاسی را تعریف و حاکم نساخته بودند و جریان‌های سیاسی رقیب نیز در پی آن بودند تا بنوعی از این فرصت به نفع افزایش سهم خود از قدرت سیاسی استفاده ببرند. به همین دلیل است که چالش برانگیزترین پرسش‌های سیاسی - حکومتی در این دوره مطرح شده و شاهد آن هستیم که کلیه آموزه‌های بنیادین انقلاب اسلامی مورد نقد و یا نفی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در حالی که ایده جمهوری اسلامی از سوی امام (ره) و اکثریت جامعه بطور غیر رسمی مورد تایید قرار گرفته بود، مشاهده می‌شود که جریان‌های چپ و لیبرال از در تعارض با این الگو برآمده، اصلی‌ترین رکن انقلاب را زیر سوال می‌برند. در این خصوص نیز دو رویکرد کاملاً متفاوت را می‌توان از یکدیگر تمیز داد: نخست گروه‌های افراطی دینی که مایل به پذیرش الگوی «جمهوری» نبوده و آن را پدیده‌ای غربی ارزیابی می‌کردند؛ و دوم گروه‌های افراطی غیر دینی که با وصف «اسلامیت» مشکل داشته و صرف «جمهوری» را می‌پذیرفتند. رقابت بین این دو گروه با انقلابیون پیرو امام (ره) در مقطع نخست از انقلاب اسلامی ابعاد وسیع و گسترده‌ای می‌یابد و فشارهای سیاسی - روانی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند که در نهایت با برگزاری همه پرسی به نفع پیروان امام (ره) به پایان می‌رسد. رای مردم در همه پرسی ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ را باید اولین اقدام برای تعیین اصول بنیادین نظام ارزیابی کرد که در کاهش تنش‌های بعدی نقش موثری را ایفاء کرد.^{۴۲}

پس از آن می‌توان به رقابت‌های لجام گسیخته سیاسی در جامعه که در خصوص بود یا نبود قانون اساسی جریان داشت، اشاره نمود که وفاق ملی و آرامش عمومی را به میزان زیادی مخدوش ساخته بود. لطمات ناشی از این حرکتها برای انقلاب اسلامی بسیار زیاد بود تا آنجا که یکی از قصور ارزشمند انقلاب اسلامی - یعنی تشکیل مجلس خبرگان اول و تصویب نهایی قانون اساسی - با مشارکت کمتری از مردم صورت پذیرفت. در این دوره نیز مشاهده می‌شود که قدرت‌طلبی گروه‌های سیاسی، عدم اتفاق نظر بر اصول مهمی چون اسلامیت و ولایت فقیه، عدم توجه به منابع ملی و بی توجهی به رهنمودهای رهبری منجر می‌شود تا فضای داخلی جامعه ملتهب گردد.^{۴۳}

متعاقب تصویب قانون اساسی اگر چه مشکل مشخص نبودن حدود فعالیت‌های قانونی رفع می‌شود، اما التهابات جامعه نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه افزایش نیز می‌یابد. علت این امر به تقویت گرایش‌های جناحی نزد بازیگران سیاسی برمی‌گردد. امام (ره) که پیشاپیش از این آفت مطلع بودند، خطاب به کلیه بازیگران سیاسی اظهار می‌دارند که:

«از الان بنا را بر آن نگذارید که یک جبهه کذا و یک جبهه کذا. و از اول

مبارزه باشد... مبارزه نیست. مباحثه، مباحث نرم اسلامی [است]...»^{۴۴}

اما روند عمومی جامعه در مسیری دیگر سیر نموده و شاهد اختلال امنیت عمومی از ناحیه درگیریهای جناحی در دوران جامعه می‌باشیم. از جمله مهمترین مصادیق تاریخی این دوره که در بروز بی‌ثباتی - در لایه‌های مختلف جامعه اعم از حکومتی تا مردمی - نقش برجسته‌ای داشته است، می‌توان به مشکل نخست وزیری اشاره داشت. در این رخداد است که گسست سیاسی بین مجلس و رئیس جمهور گسترش یافته و در نتیجه کشور از داشتن یکی از مهمترین ارکان اجرایی وقت - یعنی نخست وزیر - محروم می‌ماند. متأسفانه این اختلاف سیاسی به درون جامعه تسری یافته و درگیریهای جناحی به زخمی و کشته شدن برخی از مردم (به عنوان مثال در حادثه ۱۴ اسفند دانشگاه تهران) منتهی گردید.^{۴۵}

دومین مورد که از حیث آسیب دیدن منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. ناظر بر جریان گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی است که در ایران مشغول به جاسوسی بودند. این حادثه طبیعی که سپس از سوی امام (ره) تأیید گردید، در پیچ و خم رقابت‌های سیاسی بسیاری از کارکردهای مثبت خویش را از دست داد بدین صورت که علی‌رغم حمایت مؤثر امام (ره) از این اقدام و واگذاری نحوه حل و فصل آن به تصمیم مجلس شورای اسلامی، گروه‌های لیبرال و ملی‌گرا با اتخاذ سیاست‌های متفاوت - که در نهایت به استعفا از حکومت و یا طرح مذاکرات مخفیانه با آمریکایی‌ها منتهی شد. این اجماع را مخدوش نمودند. رقابت جدی بین پیروان امام (ره) از یکسو، با گروه‌های طرفدار بنی‌صدر و دولت موقت از سوی دیگر، منجر شد تا این پرونده با منافع بسیار کمتری از آنچه که برای جمهوری اسلامی ایران تصور می‌رفت، بسته شود و بدین ترتیب جامعه گامی دیگر بسوی هرج و مرج گزایی بردارد. در واقع

این جریان نشان داد که اجماع در قدرت سیاسی نیز تضعیف شده و این می‌توانست علامت منفی‌ای برای آینده انقلاب و ایران باشد.^{۴۶}

نتیجه آنکه در مقطع تاریخی نخست به علت توسعه رفتارهای خارج از چهارچوب، جامعه دستخوش فرآیندهای ناامنی‌سازی می‌شود که نتیجه آن درگیری بیش از حد مردم و تهییج دشمنان خارجی به تعرض به ایران اسلامی است. در همین فضا است که ترورهای وسیع و گسترده گروه‌های معارض و تروریست بوقوع می‌پیوندد مهمتر از آن رژیم بعثی عراق با حمایت مؤثر قدرتهای برتر جامعه بین‌المللی و با هدف از بین بردن نظام اسلامی، به ایران حمله می‌کند. بررسی تاریخی به عمل آمده حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی بواسطه تجارب تلخ سالهای آغازین پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۶۰ در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد که دو گزینه اصلی در آن بیشتر مطرح نیست: یا توسعه رفتارهای هرج و مرج گونه و به خطر افتادن اصل انقلاب و منافع ملی به بهانه توسعه حقوق و آزادیهای فردی - اجتماعی، و یا تحدید رفتارها و اتخاذ الگوی قبض محور برای صیانت از انقلاب و منافع ملی. در چنین فضایی است که رکن دوم عمل امنیتی امام (ره) با هدف صیانت از اسلام و ملت، درانتخاب گزینه دوم محقق می‌شود.

دوم. سیاست‌های قبض محور

شاخص‌های عمده جامعه ایران در آغاز دهه ۶۰ که امام (ره) را به اتخاذ سیاست‌های قبض محور رهنمون شدند، عبارتند از:

۱. ظهور گروه‌ها و دستجات و احزاب فرصت طلب و حتی ضد انقلاب که التزامی به منشور ملی و آرمان‌های اسلامی نداشتند.

۲. ظهور گروه‌ها، دستجات و احزاب رادیکالی که با دامن زدن به سیاست‌های افراطی، به تهییج دیگران و رادیکالی شدن فضای سیاسی در جامعه کمک می‌نمودند. طرح اندیشه انترناسیونالیسم اسلامی و تلاش برای درگیر کردن جمهوری اسلامی ایران در کلیه حوادث منطقه‌ای و جهانی، از جمله رفتارهای این گروه‌ها به شمار می‌رفت که بطور مشخص به مخدوش شدن چهره انقلاب اسلامی در گستره خارجی کمک می‌کرد.

۳. ظهور و قوت یافتن ستادهای مرکزی شوراهای خلق ترکمن، کرد و... که با تهییج احساسات قومی و مذهبی سعی در دامن زدن به خواسته‌های جدایی طلبانه در مردم

ایران داشتند.

۴. وجود حجم قابل توجهی از تسلیحات نزد گروهها و دستجات و حتی مردم عادی که در رهگذر اقدامات انقلابی از پایگاهها خارج شده بود.

۵. تلاشهای قدرت‌های خارجی برای تضعیف نظام و زمینه‌سازی جهت براندازی آن.^{۴۷}

مجموع این ملاحظات منجر شد تا امام(ره) تحقق الگوی «واگرایی متعهدانه» را در آن زمان دشوار و غیر ممکن بیابد. لذا برای صیانت از دست آوردهای انقلاب و مساعد شدن فضای سیاسی، سیاست‌های قبض محورانه‌ای را پیش گرفتند که اگر چه اصالت ماهوی نداشتند، اما ابزار کارآمدی برای تحقق اهداف کلان انقلاب به شمار می‌آمدند. برخورد با بسیاری از احزاب و گروههای معارض و صدور حکم تعطیلی ایشان در راستای حمایت از نیروهای انقلابی به منظور ایجاد ثبات هدفمند در جامعه و کاهش تنش‌های داخلی، در همین دوره بوقوع می‌پیوندد که در نهایت آرامش نسبی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. ارکان این سیاست تازه را موارد چهارگانه زیر تشکیل می‌دهد:

رکن اول. کاهش تنش در سطح سیاست‌گذاری

نظر به اینکه اختلافات در حوزه قدرت رسمی معمولاً تأثیرات بسیار مؤثری را به دنبال دارد و می‌تواند به بروز انواع ناامنی در جامعه منجر شود - و حتی در سطح بین‌المللی ایجاد مشکل بنماید - و این وضعیت در سالهای پیش از ۱۳۶۰ به نوعی در ساخت رسمی قدرت ایران پدیدار شده بود؛ امام(ره) با محوریت بخشیدن به جایگاه «شورای انقلاب» تلاش نمودند به نوعی براین معضل فایق آیند. به همین دلیل است که در مواضع اختلاف برانگیز با حمایت از این شورا، کلیه بازیگران را نسبت به ضرورت حمایت از تصمیمات شورا عملاً تذکر می‌دادند. براین اساس می‌توان چنین بیان داشت که شورای انقلاب مرکز تصمیم‌سازی اصلی نزد امام(ره) بود و لذا به هنگام بروز اختلاف بین این شورا و دولت موقت، امام(ره) بر حق رسمی این شورا برای مداخله در امور اجرای تأکید می‌نماید.^{۴۸}

رکن دوم. کاهش تنش در سطح فعالیت‌های سیاسی

پرتنش‌ترین بخش جامعه مربوط به فعالیت سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف می‌شد که به علت سوءاستفاده برخی از بازیگران وضعیت آشفتگی را یافته بود و آرامش روانی کلیه مردم از این ناحیه مختل شده بود. امام (ره) برای اصلاح این وضعیت؛ تاسیس حزب جمهوری اسلامی ایران با هدفی عالی موافقت نمودند. این در حالی بود که امام (ره) از حیث مبنایی با وجود یک حزب واحد و فراگیر چندان موافقتی نداشتند^{۴۹} اما بخاطر وضعیت ویژه آن زمان و به منظور اهداف عالی، با این کار موافقت کردند.

«حزب جمهوری اسلامی... باید در پاسداری خود از هویت اصیل

اسلامی انقلاب ملت ایران، همچنان پراستقامت بوده... و در این راه از

عکس‌العمل‌های افراد و گروه‌ها نهراسد.»^{۵۰}

تأسیس حزب جمهوری اسلامی در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی حکایت از دغدغه امنیتی امام (ره) و پیروان ایشان در آن زمان دارد و لذا در اساسنامه حزب این دغدغه بصورت آشکاری مورد توجه قرار می‌گیرد:

«این حزب، متولی هدایت و سازماندهی نیروهای با ایمان و فعال کلیه

قشرهای اجتماعی است که در انقلاب اسلامی ایران شرکت دارند و هیچ

بسیج نیروهایی که هنوز در این انقلاب عظیم نقش مؤثری بر عهده

نگرفته‌اند.»^{۵۱}

نتیجه آنکه حزب جمهوری مطابق اصول بیان شده توسط افرادی از قبیل آیات عظام بهشتی، اردبیلی و حجة‌السلام باهنر و رفسنجانی، تلاش می‌نماید تا با توسعه کاربری‌هایش بتواند به نوعی بر فضای سیاسی وقت حاکم گشته و از این طریق هیجانات سیاسی را کاهش دهد. در همین ارتباط است که آیت الله بهشتی تصریح می‌کنند که:

«کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خرد و کلان را قبول

بکنند که با این نظارت مزاجشان سازگار باشد. آنهایی که این نظارت را

نمی‌توانند تحمل بکنند، لطفاً جایشان را به کسانی بدهند که از این نظارت

صمیمانه استقبال می‌کنند.»^{۵۲}

البته این یکسان سازی از سوی امام (ره) نیز حمایت می‌شد، تا آنجا که امام (ره) در

واکنش به مخالفت‌های اظهار شده بر عملکرد نظارت فراگیر حزب، اظهار داشتند:

«کمونیست‌ها هم باید جمهوری اسلامی را بخواهند؛ اگر بخواهند برای این ملت کار بکنند و راست بگویند همه باید جمهوری اسلامی را بخواهند.»^{۵۲}

بدین ترتیب در فضای تازه حزب جمهوری اسلامی به عنوان یک بازی اجرایی در حوزه رقابت‌های سیاسی برای قدرت سیاسی عمل می‌نماید و از این طریق به یکسان‌سازی رفتارها با هدف کاهش برخوردها، کمک می‌کند. در واقع بقای این حزب تا زمانی بود که انجام این کارکرد ضروری بود و چون جامعه به ثبات نسبی در این حوزه رسید، تعطیلی کار حزب نیز از سوی امام(ره) برای جلوگیری از شکل‌گیری جامعه‌ای تک‌حزبی، مورد توجه قرار گرفت.^{۵۴}

رکن سوم. برخورد با رفتارهای نابهنجار

اگر چه حضور گسترده مردم در صحنه و انقلاب و حمایت مؤثر از آرمانهای امام(ره) نقش بسزایی در به حاشیه راندن گروهها و احزابی داشت که رفتارهای نابهنجار آنها آرامش جامعه را مخدوش می‌کرد؛ اما این گروهها به جای عبرت گرفتن و همراهی با مردم اقدام به تحمیل عقاید خود به مردم نمودند که عموماً با رفتارهای خشن همراه بود. تاسیس سپاه پاسداران در واقع به معنای تعریف یک بازوی نظامی کارآمد برای جمهوری اسلامی بود تا بتواند در این مواقع و در واکنش به مداخلات خارجی، وارد عمل شود. آیت الله لاهوتی در اولین سخنرانی خود در مقام معرفی سپاه پاسداران اظهار داشت: سپاه رسالت حفظ انقلاب از شر ضد انقلابیون و عوامل مخرب را داراست. پس از آن نیز مشاهده می‌شود که این نیرو با حضور در صحنه‌های سیاسی چون ناآرامیهای تبریز و یا در برخورد با گرایش‌های تجزیه طلبانه در گوشه و کنار کشور، به خوبی ایفای نقش می‌نماید؛ به گونه‌ای که تصویر امنیت جامعه بدون توجه به نقش سپاه، تصویری ناقص می‌نماید.^{۵۵}

رکن چهارم. تاکید بر محوریت ولایت فقیه

امام(ره) با طرح نظریه ولایت فقیه در واقع از نقش و جایگاه محوری، رهبری، در جامعه

اسلامی پرده برداشتند و نشان دادند که «ولایت فقیه» محور اصلی سیاست اسلامی است که می‌تواند به یک نقطه وفاق تبدیل شود. بر همین اساس ضمن تاکید بر بعد نظری مساله (با گفتن جملاتی از این قبیل که: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد)، از حیث علمی نیز خود چنین نقشی را ایفا نمودند. شخصیت جذاب و مقتدر امام (ره) منجر شد تا کلیه افراد و گروه‌ها جایگاه رهبری ایشان را بپذیرند و بدین ترتیب امام (ره) به فصل الخطابی تبدیل شدند که از عرب رهبری می‌توانستند، به بحرانا خاتمه بخشند. معنای این سخن آن است که امام (ره) خود تبدیل به یک عامل مؤثر برای حل و فصل مایل و ایجاد ثبات در جامعه شدند که از مصادیق بارز آن می‌توان به سیاست‌گذاری قاطعانه ایشان در برخورد با دشمن خارجی (آمریکا و رژیم بعثی) و عوامل داخلی (احزاب و گروه‌های وابسته) اشاره داشت.^{۵۶}

خلاصه کلام آن که سیاست قبض محور امام (ره) با استفاده از مجموع توان‌مندی‌های ملی توانست انقلاب و جمهوری اسلامی را از گزند تهدیدات داخلی و خارجی حفظ نماید و بدین ترتیب دوره استقرار خود را تجربه کند. بر بنیاد این تجربه کارآمد است که جمهوری اسلامی ایران پس از گذار از دوره تاسیس و استقرار وارد سومین مرحله حیات خودش - یعنی توسعه - می‌شود؛ توسعه‌ای که با دو بعد اقتصادی و سیاسی - در دولتهای آقایان هاشمی و خاتمی - شناسانده می‌شود. جمهوری اسلامی با طراحی برنامه‌های پنج ساله در پی تکمیل این پروژه و رسیدن به امنیت اطمینان بخش از طریق تجربه نمودن توسعه همه جانبه است که در آن صورت می‌توان ادعا نمود، تلاشهای امام (ره) به ثمر نشسته و آرمانهای عالی ایشان محقق شده‌اند.

نتیجه‌گیری

«... در این میان وجهی از سرآمدی وجود دارد که معمولاً کمتر بدان پرداخته می‌شود، حال آنکه ریشه تمام وجوه سرآمدی امام (ره) بوده و مهمترین آنها نیز می‌باشد. سرآمدی تئوریک یا پیشگامی امام (ره) در بنای مکتب سیاسی تازه‌ای که در عین دینی بودن داعیه حکومت و مملکت داری در قرن حاضر را دارد، شاخصه مهمی است که در حیات دینی -

سیاسی امام(ره) نمود بسیار بارزی دارد و از این حیث کلیه دینداران،
وامدارایشان هستند»^{۵۷}

اعتقاد به گزاره بالا نگارنده را بر آن می‌دارد تا نسبت به طرح پرسش‌های ناظر بر حیات سیاسی معاصر از اندیشه امام خمینی (ره)، مصر بوده و بر این باور باشد که اندیشه امام(ره) قابلیت پاسخ‌گویی به آنها را دارا می‌باشد. پرسش از امنیت از جمله این سؤالات است که در نوشتار حاضر به آن پرداخته شد. مطابق گفت‌وگوهای امام(ره) امنیت با دو چهره نظری و عملی شناسانده می‌شود در حالی که از حیث تئوریک امام(ره) بیشتر تمایل به الگوی «واگرایی متعهدانه» داشتند. اما این نگرش تئوریک مانع از توجه ایشان به مقتضایات جامعه نشده و مشاهده می‌شود که در مقام اجراء سیاست تدریجی‌ای را پیشه می‌نمایند که از اتخاذ سیاست‌های قبض محورانه تا زمینه‌سازی برای تحقق الگوی «واگرایانه متعهدانه» را شامل می‌شود. هنر امام(ره) در جمع بین آرمان‌انگیزی با واقعیت‌های اجتماعی می‌باشد که نتیجه آن صیانت کشور از تهدیدات بیرونی و جریان‌های معارض داخلی است.

پس‌نوشت‌ها:

۱. به نقل از: اصغر افتخاری، *اقتدار ملی: جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی(ره)*، تهران، ناچا، ۱۳۸۰. ص ۲۵.
۲. مکتب سامرا با نام میرزای شیرازی شناخته می‌شود و در حدود سالهای ۱۲۹۱ هـ ق در حوزه سامرا پایه‌گذاری شد. بزرگانی چون آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری، میرزای نائینی و سید حسن مدرس از ارکان آن به شمار می‌آیند. ایجاد ارتباط بین سیاست و حکومت، محور اصلی این مکتب‌ها را شکل می‌داد. این ایده متعاقباً در مکتب نجف که توسط آیت‌الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی که خود تجربه حضور در مکتب نخست را داشت، پرورش یافته و در حدود سالهای ۱۲۱۴ هـ ق با کمک بزرگانی چون، تیز، ابوالقاسم کاشانی، حاج آقا نورالله اصفهانی و جمع دیگری از مجتهدان، تکوین و شیوع می‌یابد. این مکتب بدنبال تعریف و ایجاد نظم سیاسی‌ای بود که با دین تعارض نداشته باشد. به منظور آشنایی تفصیلی به این مکاتب رک، مظفرتامدار، رهیافتی به میانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
3. See Michael Hudson, *The Arab Politics: The Search For legitimacy*, London Yale University Press, 1947, pp.22-103.
4. See John Esposito(ed), *Islam in Transition*, Oxford, O.U.p., 1982.
۵. به نقل از: اصغر افتخاری (گزینش و ترجمه)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده، مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

ع به منظور آشنایی با دیدگاه این اندیشه‌گران رک.

- T. Terriff and et.al., *Security Studies Today*, Polily Press, 1999.

۷. این دیدگاه توسط باری بوزان بصورت میسوط تبیین شده است. رک. باری بوزان، مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده، مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

8. Myron Weiner, (Political participation) , in *Crises and sequences in political Development*, princeton, P.U.P. , 1971, p.193.

۹. ساموئل هانتینگتون، سان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران، نشر عله، ۱۳۷۰.

۱۰. رک. اصغر افتخاری، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابتهای سیاسی، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۱، صص ۵۰ - ۴۸.

11. See Joel Migdal, *Strong Societies and weak States*, Princeton, P.U.P. , 1988.

12. See Games Bill and Carl Leiden, *Politics in the Middle East*, Boton and little Brown. Company, 1974, esp. pp. 155 - 80.

این موضوع با نگاه به وضعیت ایران نیز در آثار زیر مورد توجه قرار گرفته است: سید محمد خاتمی، آیین و اندیشه در دام خوگامگی: سیری در اندیشه سیاسی مسلمانان در فراز و فرود تمدن اسلامی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹؛ امیر حسین علی نقی (به اهتمام)، مهم‌ترین مسایل امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، بویژه: صص ۷ - ۱۷.

۱۲. به منظور مطالعه در مبادی نظری و تاریخی این دیدگاه رک. ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، پیشین: ساموئل هانتینگتون، سومین موج دموکراسی، احمد شهسا، تهران، روزنه، ۱۳۷۲؛ برینگتن مور، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۱۴. موسی غنی‌نژاد، «دموکراسی در پرتو مفهوم آزادی و قدرت»، کیان، شماره ۲۲، سال ۷۵.

۱۵. در این باره رک. حسن آیت، در سهایی از تاریخ سیاسی ایران، تهران، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳؛ بیروند آبراهامیان، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سهیلا ترابی فارسانی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۶؛ تدا اسکاچ پل، دولتها و انقلابهای اجتماعی، سید مجید روئین‌تن، تهران، سروش، ۱۳۷۶.

۱۶. موسی غنی‌نژاد، پیشین، ص ۴۷.

۱۷. جهت مطالعه در مبادی امنیتی این گزاره رک. مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. پیشین، صص ۸۵ - ۱۵۲.

۱۸. جهت مطالعه در مبادی امنیتی این گزاره رک. درآمدی بر خطوط قرمز رقابتهای سیاسی، پیشین، فصل ۲.

19. See Sidney Verba and N.H.Nie and S.Q.Kiu, *Participation And Political Equalilty: A Seven Nation Comparision*, Cambridge, C.U.P., 1987; Joseph Lapalambara And Myron weiner, *Political Parties And Political Development*, Princeton University Press, 1965.

۲۰. مبادی فلسفی این بحث را در کتاب زیر بخوانید:

- Brain Fay, *Social Theory And Political Practicc*, London, Greege Allen And Unwin, 1975.

21. See Paul Rabinow and william Sullivan (eds), *Interpretive Social Science*, California, Berkeley And Los Angeles University of California Press. 1987.

۲۲. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۱.
۲۴. صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۰۰.
۲۵. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۰.
۲۶. جهت بررسی محورها و ابعاد مختلف این ایده رک. جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۷. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۷۰، صص ۸۰ - ۷۹.
۲۸. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۷۰.
۲۹. صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۶۲.
۳۰. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۸.
۳۱. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳۳. به نقل از: روزنامه جمهوری اسلامی، مورخه ۱۳۵۸/۸/۳
۳۴. به نقل از: علی اکبر هاشمی رفسنجانی «نقادی نظریه ورزی‌ها درباره مجمع تشخیص مصلحت (گفتارگو)، راهبرده، ش ۲۶ زمستان (۱۳۸۱)، ص ۲۰.
۳۵. این بحث را بصورت مستقل در اثر زیر مورد بررسی قرار داده‌ام. اصغر افتخاری، وفاق ملی: جامعه‌شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، ناچا، ۱۳۸۲.
۳۶. وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۱۴.
۳۷. جهت مطالعه ثبت در این زمینه رک. مهدی حاضری، امام خمینی (ره) و وفاق اجتماعی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۸. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۸۱.
۳۹. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۹.
۴۰. وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۳۰.
۴۱. صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۱.
۴۲. جهت مطالعه تفصیلی رخدادهای تاریخی این دوره رک. عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران کتاب سیاسی، ۱۳۷۱، صص ۵ - ۵۲۰؛ مسعود رضوی، هاشمی و انقلاب، تهران، همشهری، ۱۳۷۶.
۴۳. جهت مطالعه تفصیلی رخدادهای تاریخی - حقوقی این دوره رک. عباسعلی عمید زنجانی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران جهاد دانشگاهی، بی‌تا؛ سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش، ۱۳۶۲.
۴۴. به نقل از: روزنامه ایران، مورخه ۱۳۶۶/۳/۱۲.
۴۵. رک. روابط عمومی نخست وزیری، چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، تهران، روابط عمومی نخست وزیری، ۱۳۶۰، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول: مجموعه کتب آشنایی با مجلس شورای اسلامی، تهران، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲.
۴۶. به منظور بررسی و تحلیل این رخداد رک. چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، پیشین؛ چگونگی انتخاب اولین نخست‌وزیر و مکاتبات رجایی، بنی‌صدر، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات روابط عمومی نخست‌وزیری، ۱۳۶۰؛ دادگستری جمهوری اسلامی ایران، غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، تهران، دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴؛ هاشمی و انقلاب، پیشین.

- ۸۴ امنیت ملی در اندیشه و عمل امام خمینی(ره)
۴۷. در این خصوص رک. اکبر خلیلی، گام به گام با انقلاب اسلامی، پیشین، اصغر افتخاری، «چهره متغیر امنیت داخلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان (۱۳۷۸)، ش ۴، صص ۱۹-۵۱.
۴۸. رک. هاشمی و انقلاب، پیشین.
۴۹. رک. از حزب چه می‌دانیم؟ مصاحبه با دکتر باهنر و عسکراولادی، شاخه دانش‌آموزان حزب جمهوری اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
۵۰. هاشمی و انقلاب، پیشین، ص ۲۰۴.
۵۱. مرامنامه حزب، ۱۳۵۷.
۵۲. هاشمی و انقلاب، پیشین، ص ۲۰۱.
۵۳. صحیفه نور، ج ۵، سخرانی مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۱۸
۵۴. هاشمی و انقلاب، پیشین، صص ۲۲۰ - ۱۹۹.
۵۵. در این ارتباط رک. هانجا، صص ۶-۱۷۳.
۵۶. در این ارتباط رک. اصغر افتخاری، اقتدار ملی: جامعه‌شناسی قدرت از دیدگاه امام خمینی(ره)، پیشین صص، ۲۹ - ۱۷.
۵۷. همانجا، ص ۲۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی